



نقش من در اقتصاد مقاومتی



۳) اثر گذرای من در این عرصه چقدر است؟

در یادداشت‌های قبلی به لزوم بازشناسی نقش و جایگاه خود در عرصه اقتصاد مقاومتی و نقش نخبگان و دانشگاهیان در این عرصه پرداخته شد. اما مسأله‌ای که حتی نخبگان و افراد دارای بصیرت

نسبت به شرایط جنگ اقتصادی و ضرورت اقتصاد مقاومتی را از عمل در این عرصه بازداشته است، شبهاتی از این قسم است؛

در یادداشت‌های قبلی به لزوم بازشناسی نقش و جایگاه خود در عرصه اقتصاد مقاومتی و نقش نخبگان و دانشگاهیان در این عرصه پرداخته شد. اما مسأله‌ای که حتی نخبگان و افراد دارای بصیرت نسبت به شرایط جنگ اقتصادی و ضرورت اقتصاد مقاومتی را از عمل در این عرصه بازداشته است، شبهاتی از این قسم است؛

- در عمل میزان اثرگذاری من در این عرصه چقدر خواهد بود؟
- در شرایطی که غالب افراد جامعه و حتی مسئولین نگاه مثبتی به تقویت تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی ندارند، من با خرید یک کالای ایرانی چه میزان اثرگذاری خواهم داشت؟





- اساسا مسأله اقتصاد کشور مسأله‌ای کلان است که نیاز به سیاست‌گذاری‌های کلان و در سطح ملی و منطقه‌ای دارد و لذا تا وقتی مسئولین رویکردهای خود را تغییر ندهند، رفتارهای در سطح فردی فاقد کارایی خواهد بود.

تکلیف یا نتیجه؟

شبهاتی از نوع شبهات فوق، در طول تاریخ ملت‌ها را از اقدامات اصلاحی و حرکت‌های اجتماعی بازداشته‌است. مردم کوفه پس از ورود عبید... بن زیاد لعنت... علیه شهر کوفه و ایجاد فضای رُعب و وحشت، اگرچه نسبت به حقانیت مسلم بن عقیل (سفیر امام حسین ع) و ضرورت حمایت از وی آگاه بودند و فرجام عدم حمایت از وی را شکست قیام امام(ع) می‌دانستند، با توجیهاتی از این قسم که حمایت یک یا چند فرد مانند من و دوستان من از مسلم در مقابل حکومت در عمل مؤثر واقع نخواهد شد، وی را تنها گذاشتند و در ادامه بسیاری با همین توجیهات، از حمایت از امام حسین(ع) خودداری ورزیدند. این در حالی است که چه بسا در صورتی که هریک ناظر به تکلیف خود و فارغ از نتیجه عمل نموده بود، چه بسا نتیجه نیز به نفع قیام امام(ع) رغم خورده بود و فاجعه کربلا پدید نمی‌آمد، چرا که تعداد کسانی که با همین توجیهات و شبهات، از حمایت امام(ع) خودداری ورزیدند، کم نبودند.

مثال دیگر، قیام امام خمینی(ره) در عصر حاضر است. ایشان در شرایطی قیام خود را آغاز نمودند که به هیچ‌وجه ظواهر احتمال پیروزی را نشان نمی‌داد. لذا این قیام جز با نگاه به تکلیف و فارغ از چگونگی رقم خوردن نتیجه، آغاز نمی‌شد و





همان‌طور که امام(ره) فرمود؛ «ما مأمور به انجام وظیفه و تکلیفیم نه حصول نتیجه». لذا اولین پاسخ به این شبهات آن خواهد بود، که هریک از ما مأمور به انجام تکلیف خواهیم بود و البته در بسیاری موارد اگر تکلیف را به درستی تشخیص داده و عمل نماییم، نتیجه نیز رغم خواهد خورد، هرچند حصول نتیجه مدتی زمان برد. بنابراین هریک از ما در عرصه جهاد اقتصادی وظیفه داریم، تکلیف خود را در هر جایگاه و پُست و مقامی که هستیم، به درستی تشخیص داده و به آن عمل نماییم.

مسئله فرهنگ اقتصادی

پاسخ دیگر به شبهات در خصوص میزان اثرگذاری رفتارهای فردی، تبیین مکانیسم اثرگذاری رفتارهای فردی خواهد بود. به طور کلی شبهاتی از این قسم در خصوص تکالیف اجتماعی همواره وجود دارد. به عنوان مثال مسأله امر به معروف و نهی از منکر نیز از مسائلی است که عامل اصلی در عدم انجام این وظیفه شرعی از سوی مردم، عدم اعتقاد به اثرگذاری و نتیجه عملی آن است. این در حالی است که همان‌طور که ذکر شد، اولاً هر فردی فارغ از نتیجه، مأمور به انجام وظیفه است و ثانياً آیا تا به حال از خود پرسیده‌ایم که فلسفه تشریح چنین وظیفه اجتماعی برای فرد فرد جامعه چه بوده است و این عمل فردی چگونه به اصلاحات اجتماعی در سطح کلان منجر خواهد شد؟





مقدمه اول؛ مکانیسم اثرگذاری رفتارهای فردی

پاسخ این پرسش نیازمند دقت در چگونگی شکل‌گیری، تغییر و اصلاح و یا از بین رفتن یک فرهنگ و یا فراگیر شدن آن است. به‌طور کلی در خصوص مسائل فرهنگی باید گفت اولاً تغییر و یا شکل‌گیری یک فرهنگ مسأله‌ای نسبتاً زمان‌بر است که البته مواردی می‌تواند به آن سرعت ببخشد ولی در مجموع فرآیندی تدریجی است و ثانیاً فرهنگ عمومی از اشاعه یک رفتار فردی شکل می‌گیرد و این رفتار از طریق روابط اجتماعی و خانوادگی فرد، به راحتی، ترویج و اشاعه می‌یابد. ترویج یک فرهنگ در سطح جامعه به نحوه آتش گرفتن یک کنده درخت تشبیه می‌شود که این آتش گرفتن با شروع آتش از خس و خاشاک ریز و کوچک اطراف آن صورت می‌گیرد و گفته می‌شود در حرکتهای فرهنگی در صورتی که تعدادی از نخبگان (که مستعدتر هستند و در مثال ما زودتر آتش می‌گیرند) حرکت را شروع کنند، با گذر زمان می‌توانند بدنه اجتماعی (در مثال ما کنده درخت) را با خود همراه کنند. لذا در مسائل فرهنگی باید دانست که رفتارهای فردی، ترویج و اشاعه می‌یابند و منجر به حرکتهای و اصلاحات اجتماعی در سطح کلان خواهند گردید. مسأله این است که این اشاعه فرهنگ نیازمند زمان خواهد بود که البته می‌توان به این زمان سرعت بخشید.





مقدمه دوم؛ جایگاه و اهمیت فرهنگ اقتصادی

در مقدمه اول دانستیم که رفتارهای فردی می تواند در طول زمان، منجر به اصلاحات اجتماعی گردد و از درگاه های روابط اجتماعی، ترویج و اشاعه می یابد. در این مقدمه باید به جایگاه و اهمیت فرهنگ اقتصادی یک جامعه در پیشبرد اهداف کلان اقتصادی و متغیرهای اصلی و اساسی اقتصاد اشاره کرد.

تبیین این جایگاه و اهمیت فرهنگ اقتصادی، نیازمند ذکر چند مثال خواهد بود، که با توجه به طولانی شدن این یادداشت، این شاء... در یادداشت بعدی به آن خواهیم پرداخت.

